

گزارش ۳

هادی اسماعیلی



معاملات سهام عدالت فعلا باز نمی‌شود

سهام عدالت که از سال‌های میانی دهه ۸۰ قرار بود مردم را در دارایی کشور سهیم کند، این روزها بار دیگر به صدر اخبار بازگشته است اما این بار با تلاش‌های زیرپوستی برای بیرون کشیدن این دارایی‌ها از دست مردم.
دارایی‌ای که از آغاز با وعده توزیع عادلانه ثروت و مشارکت مردم در بنگاه‌های بزرگ اقتصادی معرفی شد، اما امروز در آستانه دوراهی حساسی قرار دارد؛ بازگشایی دوباره معاملات یا ادامه توقف برای صیانت از ارزش و فلسفه وجودی آن.
به گفته برخی مسئولان سازمان بورس، در کوتاه‌مدت خبری از خرید و فروش این سهام نخواهد بود.
این تصمیم، نه تنها ملاحظات فنی بازار سرمایه را در بر دارد، بلکه پرسش‌هایی مهمی درباره آینده این طرح ملی برانگیخته است؛ پرسش‌هایی که از یک‌سویه حقوق ۵۰میلیون مشمول و از سوی دیگر به ثبات بازار سرمایه گره خورده‌اند.
تأخیر در بازگشایی معاملات، اگرچه ممکن است باعث سردرگمی برخی سهامداران شود، اما در عین حال فرصتی برای بازاندیشی در مدل مدیریتی و اجرایی سهام عدالت فراهم می‌آورد.
این توقف می‌تواند مانعی باشد در برابر تصمیم‌های شتاب‌زده که ممکن است نتنها ارزش این دارایی ملی را کاهش دهد، بلکه فلسفه اصلی طرح را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

■ ■ ■

سهام عدالت در سال ۱۳۸۵ با هدف توزیع عادلانه ثروت و مشارکت مردم در مالکیت بنگاه‌های اقتصادی بزرگ ایجاد شد. این طرح ملی قرار بود فرصتی برای مردم فراهم کند تا نه تنها در سود بنگاه‌ها شریک شوند، بلکه بخشی از دارایی‌های ملی را در اختیار داشته باشند. ایده اصلی، این بود که به جای پرداخت مستقیم پول نقد، مردم بتوانند مالک بخشی از شرکت‌ها و صنایع کلان شوند؛ دارایی‌ای که ارزش آن به مرور افزایش می‌یافت و نقش آن در بلندمدت به ایجاد ثبات مالی خانوارها کمک می‌کرد. فلسفه طرح بر پایه سه اصل استوار بود: مشارکت، مالکیت و حفاظت از حقوق سهامداران خرد. در طول سال‌ها، سهام عدالت مراحل مختلفی را طی کرده است؛ از تخصیص اولیه و پرداخت سودهای سالانه به دولت تا تغییراتی در نحوه آزادسازی و امکان فروش. این مسیر، همواره با چالش‌های اجرایی و سیاستگذاری همراه بوده و امروز نیز توقف معاملات آن، ادامه همان روند پیچیده و حساس است.

به گفته دستیار رئیس سازمان بورس در کوتاه‌مدت، خبری از خرید و فروش سهام عدالت نخواهد بود. دلیل اصلی این توقف، برگراری ناقص مجامع شرکت‌های استانی و شرایط نامساعد بازار سرمایه است. طبق مصوبه آبان ۱۴۰۲ شورای عالی بورس، مجامع شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی باید به طور کامل برقرار شوند تا اطلاعات مالی و مدیریتی آنها به‌روز شود. تاکنون تقریباً نیمی از این شرکت‌ها مجامع خود را برقرار کرده‌اند، اما نیمه دیگر هنوز در انتظار برگراری مجامع هستند. از نگاه کارشناسان، هر گونه بازگشایی بدون تکمیل این پیش‌نیازها، می‌تواند منجر به نوسانات شدید و عدم شفافیت اطلاعاتی شود. بنابراین توقف فعلی، در واقع یک اقدام پیشگیرانه و حفاظتی است تا سرمایه و حقوق سهامداران خرد آسیب نبینند.

بازار سرمایه، مانند هر بازار مالی دیگر، به نقدینگی، شفافیت اطلاعات و اعتماد سهامداران نیاز دارد. بازگشایی معاملات سهام عدالت در شرایطی که مجامع برقرار نشده است با اطلاعات مالی به‌روز نباشد، می‌تواند باعث عدم تعادل عرضه و تقاضا شود و ارزش دارایی مردم را تهدید کند. علاوه بر این، سیاستگذاران باید تأثیر خرید و فروش سهام عدالت را بر کلیت بازار سرمایه بررسی کنند. هر گونه تصمیم شتاب‌زده ممکن است باعث نوسان شاخص‌ها و کاهش اعتماد عمومی به بورس شود، چیزی که در شرایط فعلی اقتصادی کشور، پیامدهای گسترده‌ای دارد.

سهام عدالت، به عنوان یک دارایی ملی، نقش مهمی در اقتصاد خرد و کلان دارد. از یک‌سو، این سهام فرصتی برای مردم فراهم می‌آورد تا بخشی از سرمایه کشور را در اختیار داشته باشند و از س‌وسه طرف مردم بهره‌مند شوند. از سوی دیگر، مدیریت صحیح آن تأثیر مستقیم بر ثبات بازار سرمایه و اعتماد عمومی دارد.

توقف معاملات فعلی، می‌تواند به عنوان فرصتی برای بازنگری و اصلاح ساختار مدیریتی شرکت‌ها و اطمینان از شفافیت اطلاعاتی تلقی شود. این اقدام از نظر اجتماعی نیز مثبت است، زیرا احتمال تصمیم‌های شتاب‌زده و فروش اضطراری سهام از سوی مردم را کاهش می‌دهد و از انتقال دارایی‌ها به نهادهای بزرگ جلوگیری می‌کند. آزادسازی سال ۱۳۹۹، هرچند کوتاه‌مدت بود، نشان داد بازار نیازمند مدل‌های دقیق و کارشناسی‌شده برای مدیریت معاملات سهام عدالت است. طبق اعلام مسئولان بورس، جلسات کارشناسی مفصلی از سال گذشته در جریان است تا طرح‌های پیشنهادی نهایی به شورای عالی بورس ارائه شود. هدف این جلسات، ایجاد مدلی است که هم حقوق سهامداران اولیه و ثانویه رعایت شود و هم از اثرات منفی بر بازار جلوگیری شود. این یعنی تصمیم‌گیری درباره بازگشایی معاملات، تنها بعد از تحلیل داده‌ها، سناریوها و مدل‌های اقتصادی ممکن خواهد بود.

با توجه به اظهارات مسئولان، بازگشایی معاملات سهام عدالت وابسته به دو پیش‌نیاز اصلی است: ۱. تکمیل برگراری مجامع شرکت‌های استانی و ۲. مساعد شدن شرایط کلی بازار سرمایه. این دو شرط، اطمینان می‌دهند که سهام عدالت نه تنها به دارایی نقدشونده کوتاه‌مدت تبدیل نشود، بلکه ارزش آن به عنوان یک ابزار مشارکت اقتصادی بلندمدت حفظ شود. کارشناسان معتقدند توقف فعلی، اگرچه ممکن است نگرانی‌های کوتاه‌مدت ایجاد کند اما در بلندمدت در سهامداران و فلسفه طرح حفاظت می‌کند. این تصمیم نشان‌دهنده تعهد سیاستگذاران به مدیریت مسئولانه دارایی ملی و حفظ ثبات بازار است.

سهام عدالت، دارایی‌ای ملی و نماد مشارکت مردمی در اقتصاد کشور است. توقف معاملات آن، نه یک مانع، بلکه یک فرصت برای حفاظت از ارزش و فلسفه طرح است. تا زمان تکمیل مجامع و مساعد شدن شرایط بازار، مردم و سیاستگذاران فرصت دارند تا از تصمیم‌های شتاب‌زده اجتناب کرده و مسیر بلندمدت مالکیت خرد و عدالت اقتصادی را تضمین کنند.

گزارش یک

زینب‌زریں

تصمیم اخیر بانک مرکزی مبنی بر پذیرش

سپرده‌های ارزی اشخاص به‌عنوان وثیقه تسهیلات تولیدی، روزنه‌ای برای تولید است که هم به صاحبان سپرده اطمینان می‌دهد ارزش پول‌شان محفوظ می‌ماند و هم به تولیدکنندگان نوید می‌دهد، در مسیر پر سستگلاخ تأمین سرمایه، پشت‌شان به گنجینه‌های ارزی مردم گرم باشد. از این پس، اگر فرد یا نهادی دلار، یورو یا دیگر ارزهای معتبر را در بانک سپرده‌گذاری کرده باشد، می‌تواند همان سپرده را ضمانت وامی قرار دهد که واحدهای تولیدی برای خرید ماشین‌آلات یا تأمین مواد اولیه نیاز دارند. مهم تر آن که بانک موظف است در پایان کار، اصل و سود را دقیقاً به همان ارز بازگرداند. این اتفاق، اگر درست اجرا شود، می‌تواند هم جریان نقدینگی به تولید را بهبود بخشد و هم انگیزه سپرده‌گذاری ارزی را تقویت کند.

■ ■ ■

سال‌هاست سپرده‌های ارزی در بانک‌های کشور وجود دارد اما نقش‌شان در اقتصاد، محدود به گردش در ترانزانه بانک‌ها و پرداخت سود اندک به صاحبان‌شان بوده است. این سپرده‌ها که گاهی به ده‌ها میلیارد دلار می‌رسد، در عمل سرمایه‌ای را کد است که نه به تولید کمک می‌کند و نه تأثیر محسوسی بر رشد اقتصادی دارد. از سوی دیگر، تولیدکنندگان در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات بارها با مشکل تأمین وثیقه برای دریافت تسهیلات روبه‌رو بوده‌اند. ملکی برای وثیقه ندارند، یا دارایی‌شان نقدشونده نیست، یا ارزش‌گذاری آن دشوار است. نتیجه این شکاف، توقف بسیاری از طرح‌ها و نیمه‌کاره ماندن خطوط تولید بوده است.

اکنون بانک مرکزی، با تکیه بر تجربه کشورهای دیگر و مشورت با کارشناسان داخلی، تصمیم گرفته است، این دو نقطه منفصل را به هم متصل کند. به بیان ساده، سپرده‌گذار ارزی می‌تواند با رضایت خود، سپرده‌اش را به‌عنوان وثیقه در اختیار بانک بگذارد و بانک، بر اساس همین وثیقه، به یک واحد تولیدی وام بدهد. سپرده همچنان در مالکیت صاحبش باقی می‌ماند، سود مقرر خود را دریافت می‌کند و در پایان، اصل و سود هر دو به همان ارز اولیه بازپرداخت می‌شود. این بخش آخر شاید مهم‌ترین نکته برای

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۰۶۰۸۵۲۳۰۶

بانک مرکزی امکان وثیقه‌گذاری سپرده‌های ارزی را فراهم کرد

سپرده ارزی، وثیقه وام تولید شد

با تصمیم تازه بانک مرکزی، صاحبان سپرده‌های ارزی می‌توانند دارایی خود را به‌عنوان وثیقه تسهیلات واحدهای تولیدی بگذارند

و در زمان تسویه، اصل و سود را به همان ارز اولیه دریافت کنند



مرصیه نورعلی | ایرنا

اعتماد عمومی باشد، زیرا تجربه‌های گذشته نشان داده‌هر جا بانک‌ها به بهانه‌های مختلف سپرده ارزی را ریا بل تسویه کرده‌اند، موجی از بی‌اعتمادی شکل گرفته است. تأثیر این سیاست در نگاه اول این است که منابع ارزی بدون خروج از کشور یا کاهش مالکیت سپرده‌گذار، به چرخه تولید تزریق می‌شود. اما اثرات عمیق‌تر آن در لایه‌های دیگر اقتصاد هم قابل بررسی است. وقتی تولیدکننده بتواند با اتکا به این نوع وثیقه، تسهیلات بگیرد، هزینه و زمان تأمین سرمایه کاهش می‌یابد. پروژه‌ها سریع‌تر راه می‌افتند، اشتغال افزایش می‌یابد و بازار مواد اولیه و ماشین‌آلات رونق می‌گیرد.

در مقابل، سپرده‌گذار نیز احساس می‌کند دارایی‌اش نه تنها سودآور است، بلکه نقشی اجتماعی و اقتصادی هم ایفا می‌کند. با این حال، اجرای این سپرده نه‌گزاران کاهش ارزش یا تبدیل اجباری ارز خود باشند

می‌شود از محل سپرده، بدهی را تسویه کند و این ریسک بالقوه برای سپرده‌گذار، بنابر این، نقش بیمه‌ها و صندوق‌های ضمانت در این میان پررنگ می‌شود؛ نهادهایی که بتوانند بخشی از این ریسک را پوشش دهند تا انگیزه سپرده‌گذاران کاهش نیابد.

در تجربه‌های مشابه در کشورهای دیگر، مکانیزم‌های بیمه‌ای و بازارهای ثانویه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. برای مثال، در برخی کشورها سپرده وثیقه‌ها به تعویق صندوق تضمین قرار می‌گیرد و بانک فقط در صورت تأیید نهاد ثالث می‌تواند از آن برداشت کند. در کشورمان، نبود چنین بازارهایی باعث می‌شود بار نظارت بر دوش بانک مرکزی سنگین‌تر باشد.

از سوی دیگر، این سیاست می‌تواند تأثیر مثبتی بر بازار آزاد ارز داشته باشد. وقتی نیاز ارزی بخشی از تولیدکنندگان از محل سپرده‌های موجود تأمین شود، فشار تقاضا

بر بازار آزاد کاهش می‌یابد و ثبات نسبی نرخ ارز تقویت می‌شود. این ثبات، اعتماد به سپرده‌گذاری ارزی را بیشتر می‌کند و یک چرخه مثبت شکل می‌دهد.

اما همه چیز به این اندازه بی‌خطر و شیرین نیست. سابقه نشان داده هر تصمیم مالی جدید، اگر بدون شفافیت و نظارت اجرا شود، می‌تواند به انحراف برود. اگر بانک‌ها در ایفای تعهدات خود کوتاهی کنند یا بازپرداخت به همان ارز را به درستی از آن استفاده شود، به بیندازند، بی‌اعتمادی به سرعت گسترش می‌یابد و سپرده‌گذاران ترجیح می‌دهند، دارایی خود را از بانک خارج کنند. این خروج، می‌تواند تمام منافع سیاست را از بین ببرد. به همین دلیل، کارشناسان پیشنهاد می‌کنند بانک مرکزی سامانه‌ای شفاف راه‌اندازی کند که همه مراحل این فرآیند را برای ذی‌نفعان قابل پیگیری کند؛ از ثبت قرارداد تا وضعیت بازپرداخت وام و شرایط وثیقه.

دولت گندم کاران را به دلال‌ها سپرد!

کشاورزان به دلیل تأخیر دولت در تسویه مطالبات، گندم را ارزان به دلالان می‌فروشند

تا ۱۰ روز آینده، مطالبات گندم کارانی که محصول خود را تحویل داده‌اند، پرداخت خواهد شد. اما این وعده‌ها برای بسیاری از کشاورزان، به‌ویژه در مناطق سردسیر، هنوز رنگ واقعیت نگرفته است. در بوجه ۱۴۰۴، دولت ۵۰همت برای خرید گندم پیش‌بینی کرده نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. این بوجه باید کل گندم خریداری‌شده را پوشش دهد، نه فقط گندم خبازی. استفاده از سامانه‌های هوشمند برای پرداخت‌ها و نظارت دقیق تر مجلس بر اجرای قانون، از دیگر اقداماتی است که می‌تواند این بحران را مهار کند.

■ **راهکارهایی برای نجات گندم کاران**

برای حل این بحران، نیاز به بازسازی‌های ساختاری و هماهنگی میان نهادهای مسئول است. نخست، دولت باید اعتبار کافی و مطمئن برای خرید گندم در بوجه سالانه تخصیص دهد. دوم، اصلاح قیمت خرید تضمینی متناسب با هزینه‌های تولید، انگیزه کشاورزان را برای ادامه تولید تقویت می‌کند. سوم، اجرای دقیق قانون خرید تضمینی، به‌ویژه پرداخت جریمه دیرکرد، می‌تواند اعتماد از دست‌رفته کشاورزان را بازگرداند. ایجاد سامانه‌های شفاف برای پرداخت مطالبات و کاهش ناهماهنگی میان نهاده‌ها نیز ضروری است. تجربه کشورهای موفق در حمایت از کشاورزان، نشان می‌دهد پرداخت‌های به‌موقع و قیمت‌گذاری منصفانه، می‌تواند تولید را پایدار کند. نظارت فعال مجلس و قوه قضاییه بر اجرای قانون نیز می‌تواند دولت را به پاسخگویی وادار کند.

جان کلام، کشاورزی ستون فقرات امنیت غذایی کشورمان است اما امروز زیر بار تأخیرهای مالی مکرر خیم کرده است. فروش گندم به دلالان، انتخابی از سر ناچاری است که نه تنها معیشت آنها را تهدید می‌کند، بلکه خود کفایی گندم را در معرض خطر قرار داده است. دولت با وعده‌های مکرر، هنوز نتوانسته گره این بحران را باز کند. اصلاح سیاست‌های حمایتی، تخصیص بوجه کافی و اجرای قانون خرید تضمینی، تنها راه بازگرداندن اعتماد به کشاورزان و حفظ امنیت غذایی کشور است.

دولت گندم کاران را به دلال‌ها سپرد!



وارد می‌شود. علاوه بر این، کشاورزانی که با زیان مالی مواجه می‌شوند، ممکن است از کشت گندم منصرف شده و به محصولات پرسودتر روی آورند که این امر سطح زیر کشت گندم را کاهش می‌دهد.

■ **قانون خرید تضمینی: وعده‌ای که خاک می‌خورد**

قانون خرید تضمینی، علاوه بر الزام پرداخت ۴۸هسته، دولت را موظف به جبران دیرکرد با پرداخت جریمه می‌داند. اما به گفته کارشناسان، از زمان تصویب این قانون در سال ۱۳۶۸، هیچ‌گاه جریمه دیرکرد به کشاورزان پرداخت نشده است. این تخلف، اعتماد کشاورزان به دولت را از بین برده و آنها را به سمت دلالان سوق داده است. قیمت خرید تضمینی نیز خیم کرده است. فروش گندم به دلالان، انتخابی از سر ناچاری است که نه تنها معیشت آنها را تهدید می‌کند، بلکه خود کفایی گندم را در معرض خطر قرار داده است. دولت با وعده‌های مکرر، هنوز نتوانسته گره این بحران را باز کند. اصلاح سیاست‌های حمایتی، تخصیص بوجه کافی و اجرای قانون خرید تضمینی، تنها راه بازگرداندن اعتماد به کشاورزان و حفظ امنیت تسویه مطالبات داده است. طبق این وعده و وعیدها

■ **ناتاش های دولت: وعده‌های امیدوارکننده یا تکراری؟**

دولت در واکنش به این بحران، وعده‌هایی برای تسویه مطالبات داده است. طبق این وعده و وعیدها



پذیرش سپرده ارزی به‌عنوان وثیقه، اگر در دست و شفاف اجرا شود، می‌تواند سرما به‌های خاموش را به موتور محرک تولید تبدیل کند، بدون اینکه صاحبان سپرده نه‌گزاران کاهش ارزش یا تبدیل اجباری ارز خود باشند

چرا این تأخیرها رخ می‌دهد؟ کارشناسان ریشه مشکل را در نبود اعتبار کافی در بوجه می‌دانند و می‌گویند بوجه خرید گندم در سال جاری ۱۶۰همت (هزار میلیارد تومان) بوده، در حالی که نیاز واقعی ۱۱۱همت برآورد شده است. این کسری ۵۱همتی، پرداخت ۴۸هسته و وجه به کشاورزان را الزام کرده است، اما گزارش‌ها نشان می‌دهد پس از پنج ماه، بسیاری از گندم کاران، به‌ویژه در مناطق سردسیر، هنوز ریالی دریافت نکرده‌اند. این وضعیت، معیشت کشاورزان را به خطر انداخته و زنگ خطری برای امنیت غذایی کشور به صدا درآورده است. فروش گندم به دلالان و کارخانه‌های آرد، خود کفایی گندم را تهدید می‌کند.

■ ■ ■

دشت‌های طلای کشورمان، جایی که گندم، نماد زندگی و تلاش کشاورزان است، این روزها شاهد قصه‌ای تلخ است. گندم کاران که با زحمت و عرق جبین، محصولی راهبردی برای امنیت غذایی کشورمان تولید می‌کنند، در تنگنای معیشت گرفتار شده‌اند. تأخیرهای طولانی در پرداخت مطالبات‌شان از سوی دولت، آنها را به سمتی سوق داده که هیچ کشاورزی آرزویش را ندارد: فروش گندم به دلالان

با قیمتی پایین‌تر از نرخ مصوب. این وضعیت، نه تنها زندگی کشاورزان را مختل کرده، بلکه زنجیره تأمین گندم کشور را به خطر انداخته است.

■ **ریشه‌های بحران: وعده‌های قانونی و واقعیت‌های تلخ**

قانون خرید تضمینی محصولات کشاورزی، که از دهه ۶۰ برای حمایت از کشاورزان تدوین شد، قرار بود سبزی برای حفاظت از زحمتکشان این عرصه باشد. این قانون، دولت را موظف می‌کند که ظرف ۴۸ساعت پس از تحویل گندم، وجه آن را به حساب کشاورزان واریز کند. اما در عمل، این وعده قانونی به کاغذی بی‌جان تبدیل شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد، در سال ۱۴۰۴، پس از گذشت پنج ماه از تحویل گندم، تنها یک‌سوم مطالبات کشاورزان پرداخت شده در مناطق سردسیر مانند اردبیل، بسیاری هنوز در انتظارند.